

چالش‌های زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر در خوابگاه‌های دانشگاه‌های سراسری شهر تهران

نجمه گودرزی*، فاطمه قاسم‌پور**، سیدمهدی اعتمادی‌فرد***

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۳۱

چکیده

یکی از قسمت‌های مهم زندگی دانشجویی، زندگی خوابگاهی است. با توجه به اینکه معتبرترین دانشگاه‌های ایران در شهر تهران متمرکز شده است، داوطلبان تلاش دارند تا پای خود را به دانشگاه‌های تهران باز کنند و با اقامت در خوابگاه‌های دانشگاهی فصل جدیدی از زندگی را آغاز کنند. در این پژوهش با رویکرد کیفی سعی در درک چالش‌ها و سختی‌های زندگی خوابگاهی در خوابگاه‌های دخترانه را داریم. کوشیده‌ایم که بدانیم دانشجویان دختری که در دانشگاه‌های تهران مشغول به تحصیل هستند با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند. سبک زندگی خوابگاهی برای دختران مختصات و قوانینی دارد که سیاست‌های دانشگاه در آن دخیل است. در این فرصت با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمونی و با ابزار مصاحبه نیمه ساخت یافته و عمیق با ۱۲ دانشجوی ۲۱ تا ۴۱ ساله سعی در درک مشکلات و دغدغه‌های آن‌ها داشتیم. از تحلیل مصاحبه‌ها ده مقوله اصلی استخراج شد که از میان آن‌ها می‌توان به زوال حریم خصوصی، تنگنای فراغت، فقدان عاملیت انتخاب، بازتولید نقش‌های جنسیتی، قانون به‌مثابه دال اعظم و ... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: زندگی خوابگاهی، خوابگاه دختران، چالش‌های دانشجویی، سبک زندگی.

طرح مسأله

ایده دانشگاه از مرجعیت مرکزی و حیاتی در توسعه دانش، فرهنگ و اجتماع هر ملتی برخوردار شده است. مهم‌ترین کارکرد دانشگاه به‌عنوان نهادی که نقش کلیدی در تولید و فهم دانش، توسعه فرهنگ و تمدن و حل مسائل جامعه مدرن دارد، تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته، زایا و توانمند در افرادی است که به‌عنوان پیشاهنگان فرهنگ عمل می‌کنند (Janson, 1999). در چند دهه‌ی گذشته در جامعه‌ی ایرانی داشتن مدرک و تحصیلات آکادمیک تبدیل به یک اولویت مهم شده است و دانش‌آموزان طی یک فرایند دشوار تلاش می‌کنند از هر نقطه‌ی از کشور خود را به مهم‌ترین مراکز آموزشی عالی برسانند. دانشجویان قشر ممتازی هستند که اکثر نخبگان از میان آنان برمی‌خیزند. یکی از عوامل توفیق سازمان دانشگاه در تربیت نخبگان و انسان دانشگاهی آن است که حداقلی از سطح رفاه برای دانشجویان فراهم شده باشد همچنین، برنامه‌های رفاهی باید معطوف به بالا بردن واقعی سطح رفاه و احساس رفاه باشد (Hariri, 2009). در اکثر دانشگاه‌ها، اسکان و اقامت دانشجویان برنامه‌ریزی شده و دانشجویان جدیدالورود دغدغه‌ی اقامت و سرپناه را ندارند. جمعیت جوان دانشگاهی در انواع دانشگاه‌ها برای تحصیلات عالی و تکمیلی جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. لذا پرداختن به مسائل و دغدغه‌های این جمعیت بزرگ جوان با اهمیت است. اولین تجربه‌های زندگی مستقل در این دوره شکل می‌گیرد و هویت‌های جدید حرفه‌ای در حال ساخته شدن است. دوران دانشجویی هم به اعتبار معنا و تجربه و هم به اعتبار تجربه دنیای جدید و تجربه استقلال یکی از تأثیرگذارترین مراحل زندگی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نظام دانشگاهی است؛ که سرشار از هیجان‌ات و چالش جدی برای دانشجویان و خانواده ایشان است. (Yaghoobi, 2010)

یکی از ویژگی‌های زندگی دانشجویی مواجهه با ترس‌ها و اضطراب‌هاست که بخشی از آن به تجربه بلوغ و استقلال جوانان برمی‌گردد و بخشی از آن به درک از فقدان ساختارهای حمایتی در جوامع خاص است (Beck, 1987: 35-37). این اضطراب‌ها دانشجویان را نسبت به دیگر افراد آسیب‌پذیرتر می‌نماید. همچنان که پیترز خاطر نشان می‌کند، دانشجویان با عوامل تنش‌زای بسیاری از جمله پرداخت هزینه‌ها، آینده نامشخص، فشارهای درسی، شیوه‌ی جدید زندگی، کمبود زمان و امکانات تفریحی و زندگی در خوابگاه روبه‌رو هستند (Peter, 2007). در این میان خوابگاه دانشجویی نه‌تنها باید مکانی مطلوب برای زیست جایگزین خانه باشد، بلکه باید موقعیت‌های مناسبی را جهت رشد فردی و تحصیلی دانشجویان فراهم آورد (Esterda, 2008).

با توجه به اینکه سن ورود دانشجویان به دانشگاه بعد از ۱۸ سالگی و در ابتدای دوره‌ی جوانی است و سطح انرژی و آموزش‌پذیری تخصصی در این سن بالاست و وجود گروه همسالان متخصص این فرایند را بهبود می‌بخشد. لذا بررسی و درک فرصت‌ها و تهدیدهای زندگی دانشجویی و زیست در خوابگاه حائز اهمیت است. تقریباً نیمی از جمعیت دانشجویان در خوابگاه زندگی می‌کنند این گروه که شامل دانشجویان غیربومی هستند و ضمن گذراندن دوران تحصیل، تجربه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی کسب می‌کنند. اختلاط فرهنگی مزایا و مسائلی را به همراه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد خوابگاه‌های دانشجویی دانشجویان نقش مهمی در بهبود قابلیت‌های فردی و آمادگی جهت ورود به بازار کار ایفا می‌کنند (Mahmoodirad & Araste, 2009).

آشنا نبودن بسیاری از دانشجویان با محیط دانشگاه در بدو ورود، جدایی و دوری از خانواده، علاقه نداشتن به رشته‌ی تحصیلی، اختلاف فرهنگی و ناسازگاری با افراد دیگر در محیط زندگی، کافی نبودن امکانات رفاهی و اقتصادی در مقایسه با محیط خانه و مشکلاتی نظیر این‌ها از جمله شرایطی است که می‌تواند مشکلات و ناراحتی‌های روانی به وجود آورد و موجب افت تحصیلی و یا نارضایتی دانشجویان از دوران دانشجویی و زیست خوابگاهی شود (Esfandiyari, 2001).

با توجه به هرم سنی جمعی ایران، اکنون جمعیت جوان ایران به بالاترین سطح خود ۲۴ میلیون ۹۵۲ هزار نفر در مقابل ۷۰ میلیون و ۴۷۲ هزار نفر کل جمعیت (۳۹/۳۵٪) رسیده است و در حال حاضر جمع کثیری از ۳۵/۳۹ درصد جوانان جامعه مشغول به تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها هستند و در این بین تعداد زیادی دانشجویان غیربومی برای محل زندگی خود باید در خوابگاه‌های دانشجویی و یا در منازل مسکونی استیجاری زندگی کنند. در مجموعه‌های خوابگاهی که خود به‌نوعی مقیاس کوچکی از شهر هستند و به خوابگاه‌های دانشجویی و یا خوابگاه‌های خودگردان تقسیم می‌شوند (Javadi 2007). در این میان بخش مهمی از دانشجویان را دختران تشکیل می‌دهند. بالا رفتن نرخ ورود دختران به دانشگاه تاحدی است که می‌توان ادعا کرد ترکیب جنسیتی در دانشگاه‌ها به سمت غلبه جمعیت دختران بر پسران قرار دارد و در برخی گروه‌ها مانند علوم انسانی اکثریت مطلق دانشجویان با دختران است. کنش‌های اجتماعی در جامعه‌ی دختران متفاوت از کنش‌های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی‌های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روان‌شناختی و اجتماعی است (Arefi & Mohsenzade, 2011).

در مجموعه‌های دختران رابطه‌های بیش‌ازحد دختران باهم و عواقب سوء آن پرخاشگری‌های پی‌درپی، افسردگی‌ها و یا حتی مواردی از خودکشی‌ها را شاهد هستیم که موانع بزرگی بر سر راه پیشرفت علمی و اجتماعی دانشجویان هستند. آسیب‌های موجود در مجموعه‌های خوابگاهی نشان از آن دارد که طراحی‌های موجود تاکنون در برآورده کردن انتظارات عاجز بوده و راه به جایی نبرده است (Sepahvand, 2016)

در این میان وجود برخی ملاحظات فرهنگی از یک سو و عدم توجه به ملاحظات جنسیتی از سوی دیگر توجه به زیست خوابگاهی دختران دانشجو را مضاعف می‌کند. از این رو با هدف شناخت مسائل و چالش‌های زندگی خوابگاهی دانشگاه‌های دختران سراسری تهران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی این پژوهش به صورت کیفی طراحی شد.

پیشینه تحقیق

در سال ۹۶ پژوهشی تلفیقی با روش‌های کیفی و کمی با عنوان «چالش زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی)» توسط ستار پروین انجام شد و مشکلات خوابگاه‌های خودگردان مسائلی نظیر نداشتن حریم خصوصی، تراکم جمعیت، شلوغی و سروصدا نزع و درگیری دانشجویی، سکونت افراد غیر دانشجو، عدم تعلق به خوابگاه، بیگانگی از محیط خوابگاه درگیری با همسایگان و رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع مواد مخدر و... مطرح شد. همچنین بر اساس نتایج آماری به ترتیب تماشای سایت‌ها و فیلم‌های غیرمجاز و مصرف سیگار و قلیان بیشترین شیوع را میان دانشجویان خوابگاه داشت. «مشکلات زندگی خوابگاهی دانشجویان: یک مطالعه کیفی» عنوان مقاله‌ای است که امرالله ابراهیمی، مجید زرغام حاجبی و همکاران در سال ۱۳۹۵ در اصفهان انجام دادند. هدف از این پژوهش مشکلات و دشواری‌های زندگی خوابگاهی بود که منجر به استخراج ۱۳ درون‌مایه از جمله امکانات، تغذیه، رفتار پرسنل و مسئولین، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، هم‌اتاقی‌ها، هزینه‌های خوابگاه و بهداشت و... شد. در نتیجه‌گیری این پژوهش آمده است که مشکلات زندگی خوابگاهی تأثیر منفی مستقیمی بر روند تحصیلی دانشجویان داشته است. همچنین در بهار ۱۳۹۳ دکتر افسانه وارسته‌فر و سیده زهرا موسوی تازه‌آبادی مقاله‌ای با عنوان «درک پدیدارشناسانه کنش اجتماعی در زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان» ارائه دادند. در این پژوهش طی مطالعه تجربه زیسته پنج مقوله اصلی ارزیابی گردید. این ۵ مقوله اصلی دل‌بستگی به خوابگاه، درک همدلانه، نظم‌پذیری رضایت‌مندان، خودکنترلی، الگوپذیری و تجربه‌آموزی

بودند. این پژوهش بیان می‌کند تجربه زیسته دانشجویان با درک مسئولین خوابگاه متفاوت است. چراکه دانشجویان خوابگاه را جامعه‌ای برای یادگیری مسائل بنیادین می‌خواستند. «بررسی مسائل و مشکلات خوابگاه‌های دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران» عنوان پژوهشی است که توسط علی‌اصغر سعیدی و خالد اسماعیل زاده در سال ۸۹ به روش کمی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد. ۱- میان مشکلات عاطفی، روحی، بهداشتی و مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد. ۲- میان کیفیت دسترسی به خدمات، کیفیت محیط خوابگاه‌ها و مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد. ۳- میان عملکرد سرپرست و برخورد مسئولین با مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد. ۴- میان مسائل اجتماعی و امنیتی خوابگاه و سکونت در خوابگاه رابطه وجود دارد. ۵- میان رابطه باهم اتاقی و رضایت از سکونت خوابگاه‌ها با مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد. ۶- میان بهزیستی روانی دانشجویان و سکونت در خوابگاه رابطه وجود دارد. ۷- میان عدم مشارکت دادن دانشجویان در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و مشکلات خوابگاه‌ها رابطه وجود دارد. ۸- میان سیاست و مقررات خوابگاهی و با مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد. ۹- از جمله دغدغه‌های فکری دانشجویان غیربومی، خوابگاه و مشکل تهیه آن است.

عطا الله مثنوی و عزت آله سام آرام و همکاران پژوهشی در سال ۱۳۸۴ در یک تحقیق کمی و با ابزار پرسشنامه تحقیقی با عنوان «نگرش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌های شهر تهران» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش توصیفی حاکی از آن است که عواملی از قبیل نحوه توزیع در اتاق‌ها، کاهش شرم ناشی از نبود فضای تعویض لباس، وسوسه‌های جنسی در رفتار انحرافی در خوابگاه مؤثر بود و عوامل غیرمذهبی بودن و آشفتگی خانواده زمینه‌ساز رفتار انحرافی است. همچنین پسران بیشتر از دختران خود ارضایی می‌کنند و در مقابل دختران بیش از پسران نیاز جنسی خود را سرکوب می‌کنند.

چارچوب نظری

اشتروس و کوربین معتقدند نظریه‌هایی که در ذهن داریم به شیوه‌های مختلفی بر تحقیق ما اثر می‌گذارند و برای تحلیل داده‌ها نیاز به استفاده از دانش انباشته داریم و نباید آن را به‌طور کلی کنار بگذاریم. دانش انباشته در زمینه موضوع موردبررسی می‌تواند به‌عنوان ابزار تحلیلی به کار رود و منابع غنی برای تحریک تفکر پیرامون خسیسه‌ها و طرح سؤالات

مفهومی باشد (Strauss & Corbin, 1998: 47). از دیگر کاربردهای نظریاتی که اشتروس و کوربین آن‌ها را ادبیات فنی می‌خوانند عبارت است از: به‌کارگیری نظرات ناشی از آن‌ها به‌عنوان منابعی برای مقایسه داده‌ها، افزایش حساسیت نسبت به تفاوت‌های ظریف میان داده‌ها، کمک به طراحی پرسش‌های اولیه مصاحبه یا مشاهده و همچنین بینش دادن به محقق در مورد اینکه کجا به دنبال مفاهیم بگردد (Ibid).

یکی از نظریاتی که در این پژوهش مورد توجه ماست دیدگاه‌های فوکو درباره نظرات در محیط‌های عمومی و کنترل شده است. در نظر فوکو دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان محیط‌های قدرت خرد از طریق چهار تکنیک انضباطی و سه نوع ابزار قدرت تنبیهی بر دانشجویان اعمال کنترل داشته باشند. (Zaki, 2009)

در دانشگاه یک دانشجوی آرمانی، دانشجوی منضبط است. انضباط کردن محیط‌های دانشگاهی از طریق کنترل دانشجویان و در سه بعد به‌هم‌پیوسته اعمال می‌شود: ۱- مقیاس کنترل: هر چیز خرد در محیط دانشجویان کنترل می‌شود. ۲- موضوع کنترل: نه تنها ابعاد جسمانی، ابعاد فکری دانشجویان نیز کنترل می‌شود. ۳- شیوه کنترل: نه تنها نتیجه فعالیت‌ها، بلکه به‌طور شدیدتر و اصولی‌تر فرایند فعالیت‌های دانشجویان نیز کنترل می‌شود. بدین طریق دانشجویان به مثابه یک بدن که در محاصره قدرت‌های آمرانه و مؤکدانه (الزام‌ها، ممنوعیت‌ها و اجبارها) هستند به نحوی کنترل می‌شوند که نه تنها هر آنچه را که مطلوب است انجام دهند، بلکه مطابق با تکنیک‌های تعیین‌شده عمل کنند. هدف نهایی این نوع اقدامات مطیع ساختن دانشجویان در قلمروهای اندیشه و رفتار است. (Foucault, 2008)

در راستای اعمال نظارت فوق بر دانشجویان فوکو از چهار تکنیک اعمال انضباط نام می‌برد: ۱- اصل حصارکشی: انضباط گاهی مستلزم حصار است به عبارتی اختصاصی کردن یک مکان ناهمگن با همه مکان‌های دیگر و بسته به روی خود (Foucault, 2008). ۲- اصل جا دهی مقدماتی یا اصل شبکه‌بندی: بدین معنا که هر فرد جای خاص خود را می‌یابد و در هر مکانی یک فرد جا می‌گیرد. باید از توزیع‌های گروهی اجتناب کرد. آرایش‌های جمعی را تجزیه کرد و کثرت‌های درهم و برهم، انبوه یا ناپایدار را تجزیه کرد. در نظر فوکو غایت مکان انضباطی آن است که به شمار بدن‌ها یا عنصرهایی که برای توزیع موجودند تقسیم شود، باید اثرات توزیع‌های نامعلوم و متغیر، غیبت‌های کنترل نشده افراد، رفت‌وآمدهای نامنظم افراد و پیوندهای بی‌فایده و خطرناکشان از بین برود (Foucault, 2008). ۳- اصل قاعده‌مندی مکان‌های کارکردی: به این معنا که باید معماری مکان‌ها را

برای استفاده‌های گوناگون آماده کرد. مکان‌هایی معین در پاسخ به دو ضرورت تبیین شده‌اند: یکی ضرورت مراقبت و قطع ارتباط‌های خطرناک و دیگری ضرورت ایجاد مکانی مفید (Foucault, 2008) ۴- اصل ردیف‌مندی: در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها دانشجویان را بر اساس ملاک‌های مختلفی ردیف بندی می‌کنند. مثلاً بر اساس سال ورود به دانشگاه، نام خوابگاه، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی. این اقدام امکان تعویض و جایگزینی دانشجویان را فراهم می‌سازد.

هر جا انضباط وجود دارد ابزارهای تنبیهی نیز برای موارد تخلف وجود دارد. دو نوع ابزار تنبیهی در نظر فوکو به قرار زیر است: ۱- مشاهده مبتنی بر سلسله مراتب ۲- مجازات بهنجارساز: اعمال داوری‌های هنجار بخش و مجازات کسانی است که هنجارها را رعایت نمی‌کنند (Ritzer, 2004). دانشگاه‌ها با اعمال مجازات‌هایی که خود ضروری بدانند اقدام به بهنجارسازی دانشجویان می‌نمایند. (Ritzer, 2009)

یکی از عرصه‌هایی که هر دو روش فوق با هم اعمال می‌شود عرصه امتحانات است. برگزاری امتحانات شیوه‌ای است برای زیر نظر گرفتن دانشجویان و ارزیابی کاری است که انجام می‌دهند این امر مستلزم به‌کارگیری دو روش قبلی است (ریتزر، ۱۳۸۹) در نظر فوکو امتحان یک بایگانی کامل و ظریف و دقیق را در پی دارد که در سطح بدن‌ها و روزها شکل می‌گیرد. امتحان از یک سو افراد را در حوزه مراقبت قرار می‌دهد و از سوی دیگر آن‌ها را در شبکه‌ای از نوشته‌ها جای می‌دهد (Foucault, 2008).

نظریه‌ای که برای تحلیل یافته‌ها رهنمون است نظریه‌های «خشونت نمادین» و «نظریه میدان» بوردیو است. خشونت نمادین به معنای تحمیل نظام‌های نمادها و معناها (فرهنگ) به گروه‌ها و طبقات است، به‌گونه‌ای که این نظام‌ها به‌صورت نظام‌های مشروع تجربه می‌شوند (Jenkins, 2006). خشونت نمادین با راهکارهای آموزشی به تحمیل خودسری فرهنگی اقدام می‌کند یکی از این آموزش‌ها، آموزش نهادی شده است که نمونه آن را می‌توان در نظام‌های آموزشی از قبیل مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات خصوصی و غیره یافت (Jenkins, 2006). خشونت نمادین از طریق درونی کردن نظام سلطه انجام می‌شود؛ که در آن کسی اعمال قدرت می‌کند و کسی تحت سلطه قرار می‌گیرد. هر دو ممکن است به‌صورت ناخودآگاه نظام سلطه را چنان درونی کنند که در زندگی روزمره، در انتخاب‌ها و در همه ابعاد زندگی‌شان آن را دائماً تولید و بازتولید می‌کنند (Fakoohi, 2005).

از نظر بورديو مسأله از خود بيگانگي به دو صورت در دانشگاه‌ها مي‌تواند رخ دهد. اول اينکه از نظر وي دانشگاه‌ها نهاد عمده‌اي هستند که در آن خشونت نمادين در مورد انسان‌ها اعمال مي‌شود (Ritzer, 2010). خشونت نمادين به معنای تحت کنترل درآوردن افراد با شيوه‌هاي ملايم‌تر مثل ايجاد قوانين متعدد و دستورالعمل‌هاي رفتاري است. در خوابگاه‌هاي دانشجويي نيز اعمال کنترل وجود دارد که اين مسئله مي‌تواند منجر به بي‌قدرت‌سازي و حذف خودآگاهي دانشجويان يا به عبارت ديگر از خود بيگانگي آن‌ها شود. دوم اينکه وي دانشگاه‌ها را به مثابه ميداني تلقی مي‌کند که در بين اشغال‌کنندگان جاگاه‌هاي درون ميدان کشمکش‌هاي وجود دارد. افراد از طريق عادت واره يا ساختمان ذهني سعی در حفظ و بهبود جاگاه‌هاي خود، درون ميدان را دارند. عادت واره به طرح‌هاي تفسيري عمدتاً ناخودآگاهي اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزيابي امور را به ما نشان مي‌دهد و دستورالعمل‌هايي براي کنش ارائه مي‌کند. در نظر وي افراد موقعيت ساختاري يا طبقاتي مشترک، تجربه‌هاي مشابه و تکرار شونده‌هاي دارند که عادت واره مشترکي را ايجاد مي‌کند، که اين عادت واره به نوبه‌ي خود به اعمال اجتماعي آنان ساختار مي‌دهد (Sidman, 2011).

ميدان از نظر بورديو مجموعه‌اي از موقعيت‌هاست که بايد به گونه فضايي درک شود به تعبير ديگر ميدان فضاي بازي کنشگران است که با پذيرش قواعد بازي تحت تأثير نيروي آن عمل مي‌کنند (Jamshidiha & Parastesh, 2007). اگرچه هم ميدان و هم منش از نظر بورديو مهم‌اند، [اما] رابطه ديالکتیکی آن‌ها بيشترين اهميت و معنا را دارد؛ ميدان و منش متقابلاً يکديگر را تعريف مي‌کنند. بر اثر رابطه‌ي ديالکتیکی ميان منش و ميدان، کنش‌ها به ويژه کنش‌هاي فرهنگي پايه‌ريزي مي‌شوند (Ritzer, 2010). بورديو، رابطه ميان ساختار اجتماعي، منش و کنش اجتماعي را يک رابطه خطي ساده، علی و مکانیکی نمی‌داند. وي اعتقاد دارد افراد موقعيت ساختاري يا طبقاتي مشترک و تجربه‌هاي مشابه و تکرار شونده‌اي دارند که منش مشترکي ايجاد مي‌کند و اين منش به نوبه خود، به کنش‌هاي اجتماعي آنان ساختار مي‌بخشد؛ يعني دستورالعمل‌هايي را تنظيم و اعمال کنشگران را محدود مي‌کند؛ اما در عين حال، اجازه نوآوري فردي را هم مي‌دهد. از اين رو، افراد نه عاملاني کاملاً آزادند و نه محصول منفعل ساختار اجتماعي (Sidman, 2011).

بورديو با در نظر گرفتن شبکه روابط اجتماعي به جای ساختارهاي انتزاعي به بررسي رفتار کنشگران به واسطه موقعيت و سرمايه‌شان در ميدان مي‌پردازد. موقعيت کنش گران در

میدان از مؤلفه‌هایی است که با اتصال منش و میدان و ایجاد دیالکتیک میان آن‌ها ما را به واقعیت رفتار و تبیین اجتماعی رهنمون می‌سازد؛ بنابراین میدان شامل موقعیت‌هایی است که در تناسب باهم تعریف می‌شوند؛ زیرا اساس تفکر میدانی تفکر رابطه‌ای است. این نوع نگاه به میدان، شکل‌گیری روابطی به‌ظاهر متناقض را در تبیین کنش به همراه دارد. (Vandenberghe, 1999)

میدان‌های اجتماعی مختلف در عین داشتن خصایص مشترک، از استقلال و منش خاص آن میدان تحت قواعد خاص برخوردارند. در همه‌ی میدان‌ها نوعی منازعه وجود دارد که به‌طور معمول در هیئت تقابل سنت‌پرست‌ها و سنت‌شکنان تجلی پیدا می‌کند (Parastesh, 2011)

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش‌شناسی کیفی و ورود به بستر اجتماعی از زیست و تجربه‌های مشارکت‌کنندگان در پی فهم و درک عمیق از موقعیت و ویژگی‌های بسترها و فهم فرایند مشکلات کلان و خرد زندگی خوابگاهی دختران است. روش تحلیل تماتیک برای این نگرش عمیق اتخاذ شده است. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرا که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگو یابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در حقیقت تحلیل تماتیک سعی می‌کند از طریق کدگذاری داده‌ها و تحلیل آن‌ها مشخص کند که داده‌ها به ما چه می‌گویند. این تحلیل در پی الگوییابی در داده‌هاست (Mohammadpoor, 2003). این روش داده‌های متنوع و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Clarke & Braun, 2006). داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل گردآوری می‌شود و متمرکز بر معانی، اکتشاف و تفسیر است (Mohammadpoor, 2003). به‌طور کلی تحلیل مضمونی روشی است برای الف: دیدن متن، ب: برداشت و درک مناسب از اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط، ج: تحلیل اطلاعات کیفی، د: مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، ه: تبدیل داده‌های کیفی به کمی (Boyatzis, 1998).

این پژوهش با ابزار مصاحبه‌های نیمه استاندارد مسأله محور بر روی ۱۲ دانشجویی که در تهران و دانشگاه‌های دولتی زندگی خوابگاهی حداقل دو سال داشته‌اند انجام شده است. سؤالات با چهار راهبرد مطرح و مورد پرسش قرار گرفت. سپس کلیه مصاحبه‌های شفاهی به‌صورت فایل متنی استخراج شد. ابتدا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری

نظری استفاده شد و مفاهیم از خود گزاره‌ها به صورت مستقیم برداشت شد. سپس با مراجعه مجدد به مصاحبه‌ها و تحلیل گزاره‌ها و کدها مقولات اصلی استخراج شد. مفاهیم به روشی نوشته شده است که با بازخوانی آن گزاره‌ها به صورت شفاف قابل بازیابی باشد. طبقه‌بندی دوم سطح عام‌تر و انتزاعی‌تری دارد.

نمونه‌گیری در این پژوهش به روش نمونه‌گیری نظری، هدفمند و گلوله برفی برای رسیدن انتخاب با حداکثر تنوع بود. مصاحبه‌شونده‌ها در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و فارغ‌التحصیل بودند؛ و سن آن‌ها بین ۲۱ تا ۴۱ سال بود. همچنین از قومیت‌های مختلف و از سطوح متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی در این کار حضور مؤثر داشتند.

جدول (۱): جدول مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

Table 1: The list of interviewees

ردیف	نام مستعار	سن	مدت اقامت در خوابگاه (سال)	قومیت	دانشگاه
1	پروین	26	6	اراک	علامه طباطبایی
2	زیبا	27	7	مشهد	علامه طباطبایی
3	سارا	28	5	لرستان	الزهر
4	پردیس	24	4	لرستان	دانشگاه شریعتی
5	نسترن	38	3	کرد	علامه طباطبایی
6	نسب	33	4	لرستان	علامه طباطبایی
7	نگار	25	4	شیراز	بهشتی
8	فاطمه	41	8	قزوین	دانشگاه تهران
9	زهرا	35	7	ساری	دانشگاه هنر و معماری
10	سپیده	37	6	مشهد	خوارزمی
11	میترا	21	2	سمنان	دانشگاه تهران
12	روشنک	30	4	گیلان	علوم پزشکی

یافته‌های تحقیق

زوال حریم خصوصی: به عقیده دانشجویان در سبک زندگی خوابگاهی حریم خصوصی به‌طور جدی وجود ندارد. همه فضای خوابگاه مملو از دانشجویهاست. علاوه بر اینکه فضای فیزیکی در همه زمان‌ها پر از افراد مختلف است، در فضای عمومی هم خواسته یا ناخواسته دانشجویان خوابگاهی امکان داشتن فضای خلوت فکری را ندارند. در واقع محیط کوچک‌تر از آن است که بتوان مأمنی برای آرامش پیدا کرد. پروین از تجربه سال‌های اول زندگی

خوابگاهی می‌گوید: «نمی‌دونستم این همه آدم یعنی چی! گنگ بودم. احساس می‌کردم ممکنه بهم حمله کنن. سالن مطالعه و نما خونه حجم زیادی از آدم بود. نمی‌دونستم داره چه اتفاقی میفته. خیلی ترسیده بودم. پرایوسی غیرممکنه در خوابگاه. یک سری امکانات را نمی‌تونم داشته باشی اونم امکانات نامعقولی نیست مثل حرف زدن با تلفن». دانشجویان ساکن خوابگاه تجربه خود را نوعی زندگی سخت می‌دانند که داشتن حریم خصوصی در همه جای این فضا و محیط غیرممکن است. حتا گاهی خودشان هم مغل آزادی دیگران بودند اما این وضعیت را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند. انواع مختلف حریم خصوصی در معرض خطر است. در واقع در اتاقی که دانشجو حداقل با چهار الی پنج نفر دیگر هم زیست می‌شود، نمی‌تواند آزادانه با تلفن صحبت کند، لباس دلخواهش را بپوشد، برای خواندن کتابی که در دست دارد دیگران انتظار دارند توضیحی بدهد مخصوصاً اگر هم کلاسی باشند، در همه موارد دوستان هم‌اتاقی او می‌دانند با چه کسی صحبت می‌کند و اگر هم با صدای شبیه پیچ صحبت کند اوضاع وخیم‌تر می‌شود، حتی در غذا خوردن هم همیشه باید حریم دیگران را لحاظ کرد. درواقع فضا آن‌قدر کوچک است که این برخوردها طبیعی شده است. زهرا دختر ۳۵ ساله‌ای که هفت سال در خوابگاه زندگی کرده می‌گوید: «در خوابگاه فضای خصوصی نداری تنها دارایی شما در خوابگاه فقط یک تخت هست. البته بهتره بگم یک قبر.»

یکی از مهم‌ترین محاسن فرهنگ ایرانی احترام به حریم است. حتی در معماری ایرانی به دلیل احترام به حریم، فضاهای ورودی کاملاً محفوظ طراحی می‌شود و درواقع پیشاپیش رفتار انسان‌ها را کنترل می‌کند. بد دانستن فال‌گوش ایستادن، زل نزدن، نگاه نکردن و تعارفات رایج همگی گواهی این منش عمومی است؛ اما طراحی فضای فیزیکی خوابگاه‌ها کاملاً در مغایرت با فرهنگ اجتماعی و سابقه خانوادگی افراد است. لذا در همه زمان‌ها و مکان‌های ساکنان خوابگاه احساس می‌کنند حریم خصوصی آن‌ها مورد حمله دیگران قرار گرفته است و زندگی برایشان سخت‌تر می‌شود. این احساس تلخی در همه دانشجویان دیده می‌شد، اما دانشجویانی که از خانواده‌های کم جمعیت‌تر هستند، این ملال را بیشتر لمس می‌کنند. بخشی از هتک حریم‌ها به دلایل فنی و معماری و قواعد بروکراتیک ناگزیر پیش می‌آید؛ اما بخشی از آن نتیجه رفتار نادرست در زندگی جمعی است. پوشیدن لباس هم‌اتاقی، استفاده از لوازم شخصی دیگران، خوردن غذای درون یخچال و مصرف لوازم شخصی مثل لوازم آرایش از مواردی بود که همه مشارکت‌کنندگان، با مثال‌های متفاوت

ذکر می‌کردند و آن‌ها را مصداق روشن نبودن حریم خصوصی و چه بسا تجاوز به حوزه شخصی می‌دانستند. در این رابطه نسیم می‌گوید «وقتی مانتویی را که خیلی دوست داشتم و اصلاً چطوری بگم هدیه دوست پسرم بود و خودم حیفا می‌امدم بیوشم را توی دانشگاه تن هم کلاسی‌ام می‌دیدم دلم می‌خواست برم تیکه پاره‌اش کنم.»

تنگنای فراغت: در مکانی که چند صد جوان زندگی می‌کنند موضوع فراغت اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از شاخص‌های خوابگاه خوب از نظر مشارکت‌کنندگان، پیش‌بینی فضای فراغت و استراحت برای آن‌هاست. با توجه به اینکه دانشجویان دور از خانواده زندگی می‌کنند و مسئولیت سنگین درس خواندن هم دارند و این نوع سبک زندگی دلتنگی‌ها و سختی‌های خود را دارد به دنبال نوعی فعالیتی هستند که تسهیل‌گر وضع موجود شود. در اکثر خوابگاه‌ها اتاق مطالعه و نمازخانه وجود دارد که این اتاق‌ها چندمنظوره مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بیشتر اوقات دانشجویان از این مکان‌ها برای درس خواندن دسته‌جمعی استفاده می‌کنند و عملاً هدف اصلی یعنی مکانی برای تماشای تلویزیون و عبادت در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گیرد. استفاده‌های متکثر دلایل گوناگونی دارد یکی از آن دلایل نبودن امکانات کافی در کل مجموعه و حتی فضای اتاق است. برای مثال اتاق تلویزیون مبله نیست و فضای راحتی برای تماشای فیلم موجود نیست و دانشجویان یا کف زمین نشسته‌اند و یا دراز کشیده‌اند. همچنین فقط تلویزیون یا آل سی دی در اتاق است و دستگاه‌های پخش فیلم مانند دی‌وی‌دی پلیر یا اچ دی‌ام ای وجود ندارد. میترا در این رابطه می‌گوید: «یک تلویزیون برای این همه آدم خیلی کمه. هیچ وقت نمی‌تونم برنامه مورد علاقه‌ام را ببینم. هر وقت رفتم سالن تلویزیونی عده آدم از قبل اونجا بودن داشتن تلویزیون می‌دیدن. چی کارشون می‌کردم؟ کانال را برای خودم عوض می‌کردم؟»

اتاق مطالعه که یکی از نیازهای مهم سبک زندگی دانشجویی است از نظر کاربران آن شرایط لازم و کافی را ندارد. گفته‌های متعدد مبین این نقص مهم است. «سالن مطالعه خوابگاه نزدیک به صدای اتوبان است و آرام‌بخش نیست.» یا «فکرشو بکن در دانشگاه علامه اتاق مطالعه و اتاق تلویزیون نداشتیم. هیچ سرگرمی نداشتیم. یا اتاق مطالعه طبقه ۲ بود و این خیلی بده. سالن مطالعه حتی هوا نداشت. میز و صندلی هم کافی نبود.» نبود فضای مطالعه و فراغت برای دانشجویان اهمیت دارد و آن را جزیی از نیازهای زیر بنایی خود تلقی می‌کنند و در مرحله بعد تفریحات و سرگرمی‌های ورزشی را عنوان می‌کنند. در خصوص

فوق‌برنامه‌ها و موارد فوق درسی دانشجویان خوابگاهی در تنگنای فراغت قرار دارند و این فضا را در بیرون از خوابگاه تجربه می‌کنند که البته با مخارج و درآمدشان سازگار نیست. در اظهارات مصاحبه‌شوندگان خلأ این مسأله به‌وضوح حس می‌شود. پروین با سابقه ۶ سال زندگی خوابگاهی می‌گوید: «تفریح بچه‌ها براشون مهم نیست حتی خواننده زن هم نیارن. وسیله شادی و تفریح در خوابگاه نیست» نسرین هم معتقد است که «امکانات ورزشی نداشتیم حتی جاش نمناک بود. حس خفگی داشتیم».

در بعضی از خوابگاه‌ها اتاق‌های دیگر مثل اتاق کامپیوتر و کتابخانه هم هست اما اینها هم به دلیل مشکلات فنی و کمبودهای فراوان راضی کننده نیستند. در فضای باز کوی دانشگاه دخترانه دانشگاه تهران جاده دوچرخه سواری وجود دارد اما دوچرخه‌ها خراب و از کار افتاده‌اند. در بعضی خوابگاه‌ها هم کلاس ورزش است که به‌صورت خودجوش توسط دانشجویان ارائه می‌شود و البته بعد از مدت کوتاهی هم ناتمام می‌ماند.

فقدان عاملیت انتخاب: خوابگاه و زندگی خوابگاهی نوعی زندگی متعین شده و قراردادی است که ساکنان آن با پذیرش قوانین و محدودیت‌های آن ناگزیر وارد آنجا می‌شوند. قوانین در دانشگاه‌های کشور سراسری و یکسان نیست چه بسا قوانین در خوابگاه‌های متفاوت یک دانشگاه و حتی بین دختران و پسران متفاوت است؛ اما نکته مشترک در این سبک زندگی در بین گفتگوهای متعدد با دانشجویان متفاوت «عدم عاملیت و انتخاب» است. به همین علت احساس تعلق، دل‌بستگی و دلسوزی نسبت به خوابگاه یا نام جدید آن «خانه دانشجویی» در بین دانشجویان دیده نمی‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان ما با نام سپیده دو نوع زندگی خوابگاهی را تجربه کرده بود. در این بخش از تجربه دوره اولش به ما می‌گوید «زندگی همیشه بهش گفت چون احساس تعلق وجود نداره. هر ترم باید اتاق مون را عوض می‌کردیم. اتاق‌های خوب سریع پر می‌شد، بعدش باید می‌رفتی امور خوابگاه التماس. وقتی از ۱۸ سالگی می‌زنی بیرون دیگه مال هیچ جا نیستی... خوابگاه یعنی باید تموم بشه و بری... ترم که تموم می‌شد باید وسایلت را جمع می‌کردی. فقط زنده بودیم، اسمش زندگی نبود». دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. درواقع دل‌بستگی به مکان ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی مکانی و حسی مشترک فرهنگی توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین

می‌گردد و مبنای نحوه ادراک فرد یا گروه از مکان و نحوه ارتباط وی با آن‌ها می‌گردد (Low & Altman, 1992).

بر اساس نظریه گیدنز الحاق قدرت به‌مثابه امری بنیادی در ایجاد کردارهای اجتماعی است (Giddens, 2005). لذا این بی‌تعلقی فضایی و عاطفی در یک فضای اجتماعی نتیجه چنین کردارهایی است. درواقع مکان زندگی دانشجویی جایی است که افراد مقیم در آنجا برای ساختار زندگی خود فاقد هرگونه آزادی عمل هستند. آن‌ها قدرت چانه‌زنی برای تعداد نفرات هم‌اتاقی، داشتن مهمان، امکانات رفاهی بیشتر حل مشکلات داخلی و حتی مسائل شخصی و بهداشتی را ندارند. پروین به ما می‌گوید: «خودت تصمیم‌گیرنده نیستی، حتی نمی‌تونی تصمیم‌گیری کی بری حمام». زیبا اضافه می‌کند «درشان جامعه نیست که دانشجوی ۲۵ ساله جواب پس بده».

گیدنز استدلال می‌کند که افراد از قوانینی پیروی می‌کنند که در ساختار اجتماعی جای دارد و معرفت و پذیرش جمعی در مورد قوانین اجتماعی شرط تعامل اجتماعی است. به اعتقاد او افراد هم تابع قاعده‌اند و هم خالق آن. بر این اساس شاید ریشه این فقدان عاملیت انتخاب را فقدان تعامل اجتماعی افراد در بستر قوانین اجتماعی سلبی آن دانست. وقتی افراد خالق چیزی نیستند و قدرت بازاندیشی ندارند احساس و جریان زندگی در بهترین سال‌های شور و هیجان زندگی در آن‌ها کشته می‌شود.

امکانات نابرابر دختران و پسران: جوانان با ورود به دانشگاه با انتظاری که از یک محیط استاندارد و علمی دارند مواجه‌شدن با این وضعیت برایشان قابل‌قبول نیست. از دید دختران خوابگاه پسران هم به لحاظ امکانات تفاوت‌های فاحشی با خوابگاه‌های دخترانه ندارد اما همین تفاوت‌های حداقلی معنای ضمنی و کارکردی دارد. دختران خوابگاهی معتقدند که همین امکانات اولیه به‌جای اینکه به مستقل شدن دانشجویان پسر و آموزش زندگی برابر بیانجامد به بازتولید مرد سنتی ایرانی کمک می‌کند. نگار این تفاوت‌ها را چنین ذکر می‌کند. «خوابگاه‌های پسر مکانش بهتر بود. وسط شهر بودن. خدمه داشتن، ساعت خروج شون هم ۱۱ بود. جمعه‌ها پسر غذا داشتن، زمین فوتبال داشتن، آرایشگاه داشتن. با خلاف پسر کاری نداشتن. چون پسر بلد نیستن غذا درست کنن پس غذا براشون میاد. لباس شویی داشتن. بارها خواستیم امکانات پسر را هم به ما بدن. می‌گفتن قرار نیست به شما بدیم شما زنی باید بلد باشی لباس بشوری.»

با توجه به اینکه یکی از اولین تجربه‌های مستقل بودن برای جوانان ایرانی، سبک زندگی خوابگاهی است و احتمالاً در مدل زندگی خانوادگی و به دلیل کم سن بودن مواجهه

با امور زندگی کمتر بوده است لازم است نظام آموزشی در کنار فرصت تعلیم و تربیت به پرورش مهارت‌های زندگی و آموزش‌های جنسیتی بپردازد. دانشجویان دختر معتقدند که اولویت آموزش خوابگاهی نقطه مقابل یک زندگی استاندارد و منصفانه است و از اینکه محیط آکادمیک این فرصت را مهیا نمی‌کند، ابراز تأسف و ناراحتی می‌کنند. نسیم می‌گوید: «خوابگاه پسرا کمی بهتر بود، لباس شویی داشتن. قوانین تردد برای پسرها راحت‌تر بود. اینقدر بهم بر خورده بود که به پسرا لباس شویی دادن که چند ماه مرتب نامه می‌نوشتیم و می‌رفتم امور خوابگاه‌ها تا بالاخره موفق شدم برای دخترا هم لباس شویی بگیرم.»

در گروه‌های کوچک اجتماعی انسان‌ها در تعامل با هم هستند و درباره اشتراکات‌شان اظهارنظر می‌کنند و موضوعات را به چالش می‌کشند. شاید تفاوت بین فرش و موکت تفاوت معناداری نباشد اما در بطن موضوع تفاوت قابل‌تأملی دارد و ممکن است به‌طور ناخودآگاه، افراد احساس کنند که این امر باعث فربه شدن موقعیت اجتماعی یک گروه در برابر گروهی دیگر می‌شود. موضوعی که برنامه‌ریزان اجتماعی و سیاست‌گذاران فرهنگی از آن غافل هستند و معمولاً دنبال دلایل بزرگ و برجسته برای کمبود اعتمادبه‌نفس در بین قشر خاصی از اجتماع و از جمله دختران هستند. درواقع دانشگاه اولین مواجهه رسمی جوانان با زندگی واقعی است که از مرحله پذیرش تا فارغ‌التحصیلی، دختران با کم‌توجهی مواجه می‌شوند.

قانون‌گریزی، تنبلی و مقاومت: خوابگاه لبریز از قانون‌های سخت ساختاری است اما مهارت زندگی گروهی و آموزش‌های تعامل زندگی در فضای که با چند صد نفر مشترک است حلقه مفقوده الزامات زندگی خوابگاهی است. قوانین تردد وجود دارد اما قوانین به داخل اتاق‌های خوابگاه راه نمی‌یابد و فرهنگ‌های متنوع و متعدد موجب اختلاط فرهنگی و گاهی به وجود آمدن تشنج می‌شود. سیستم طبقاتی در فضای خوابگاه وجود دارد. خوابگاه‌های دوره کارشناسی با خوابگاه دوره کارشناسی ارشد و دکتری متفاوت است. در خوابگاه دانشجویان دوره کارشناسی دانشجویان سال‌های بالاتر به دلیل تجربه بیشتر احساس قدرت بیشتری دارند و قشربندی نامریی بین طبقات خوابگاه دیده می‌شود. در سال‌های اول دانشجویان تازه وارد و بعضاً هم رشته‌ای‌ها در یک اتاق تقسیم‌بندی می‌شوند؛ و این بی‌تجربگی‌ها، امکانات کم خوابگاه، جدا شدن از خانواده و دل‌تنگی خود زمینه‌ساز ناسازگاری هست. از طرفی تربیت‌های خانوادگی متعدد و فرهنگ‌های متنوع و اخلاقی‌های فردی متفاوت مسأله را بغرنج می‌کند. نسیم می‌گوید: «همیشه فکر می‌کردم زندگی

خوابگاهی خیلی خوبه. قبل اینکه وارد بشم. چون سنم بیشتر بود با بقیه خواهرانه رفتار می‌کردم ولی بچه‌های خوابگاه سو استفاده کردن از محبت را یاد گرفته بودن. الان ذهنیت من ۱۸۰ درجه تغییر کرده چون بچه‌های خوابگاه بی‌رحم شده بودن. خیلی بچه‌ها هنوز آموزش‌های اجتماعی را ندیده بودن با اینکه خیلی هم درسخون و شاگرد اول بودن».

تقسیم‌کار در اتاق‌های خوابگاه چون غیررسمی است به راحتی قابل نقض است و متولی نافذی وجود ندارد بنابراین قانون‌گریزی سهل‌الوصول است. پیامدهای قانون‌گریزی علاوه بر انجام نشدن امور باعث کدورت‌های طولانی‌مدت می‌شود و موجب بازتولید مجدد قانون‌گریزی می‌شود و زندگی اشتراکی را سخت‌تر می‌کند. زهرا دانشجوی دوره کارشناسی ارشد اظهار می‌کند: «در داخل اتاق‌ها هیچ قانونی نبود. فرهنگ‌های مختلف قاطی می‌شد. تنها راه چاره این بود که اتاق را عوض کنیم چون هیچ راه حلی نبود. دانشجویهای دکترا نظافت را انجام نمی‌دادن خودشون را می‌گرفتن... دانشجوی لیسانی به خاطر سن شون اصلاً کار نمی‌کردن».

درواقع از بررسی‌های عمیق مصاحبه‌ها و تکرار آن چنین استدلال می‌شود که قوانین ساختاری و بروکراتیک خوابگاه‌ها چنان عمیق و بغرنج است و ساکنان تحت فشار قرار دارند که اولین مغزی را که دانشجویان در برابر قوانین دارند نقض قوانین است. این نوع عدم احترام به زندگی درون یک اتاق شاید نوعی ابراز مقاومت در برابر سختی‌های همه‌جانبه زندگی خوابگاهی است. همچنین دانشجویان در برابر یکدیگر هم بی‌دفاع هستند و جایی برای حل و فصل امور فی‌مابین وجود ندارد و چون آموزش‌های مدون و مکتوب و منسجمی درباره زندگی گروهی و تعامل زیستی گروهی وجود ندارد گاهی از راه آزار رساندن به یکدیگر منتفع می‌شوند. به نظر می‌رسد دانشجویان خوابگاهی تا درب خوابگاه به شدت مورد کنترل قرار می‌گیرند و در داخل خوابگاه رها می‌شوند. نسیب به ما می‌گوید: «بچه‌ها قوانین حدافلی را رعایت نمی‌کنن مثل ظرف شستن، سفره‌ی غذاشون را جمع کردن».

قانون به‌مثابه دال اعظم: خوابگاه‌های دانشجویی بیش از اینکه به دست مسئولان آن‌ها اداره شود، توسط قوانین راه به جلو می‌برد. همه‌چیز از مجرای قوانین مطرح می‌شود. قوانین در خوابگاه ساختاری و بروکراتیک هستند و قوانین آموزشی و تربیتی وجود ندارد. در بیشتر خوابگاه‌ها قوانین از پیش تعیین شده و صلب هستند و دانشجویان توان تغییر و تصرف در آن را ندارند و به‌ناچار یا باید قوانین را بپذیرند یا توجیهات یا اعمال فراقانونی انجام دهند. مرجع وضع‌کننده این قوانین مشخص نیست و یا این‌که دانشجویان از آن اطلاعی ندارند و به همین دلیل در خوابگاه‌ها و دانشگاه‌های متفاوت باهم فرق دارند. از تحلیل‌های

مصاحبه‌ها درمی‌یابیم که این قوانین موردپذیرش حداقلی دانشجویها هم نیست؛ و بیش از اینکه راهگشا باشد، دست‌وپا گیر است و علاوه بر ناکارآمدی منجر به خشم عمومی، قانون‌گریزی و صفات اخلاقی مثل فریب دادن مسئولان، دروغ‌گویی و عدم اعتمادبه‌نفس می‌شود. راضیه که خوابگاه را شبیه به پادگان تصویر کرده در مورد مشکلاتش به ما می‌گوید: «مشکلات کلان خوابگاه به نظامی بودنش برمی‌گرده مثلاً اگر سه بار بعد ساعت ۹ بیای احظار میشی کمیته و درج در پرونده انضباطی» همچنین فاطمه اضافه می‌کند که «دوست داری همش قوانین اونجا را دور بزنی از بس که احمقانه است. شایدم چون همش داری با خونه که خیلی امن بوده مقایسه می‌کنی از این قوانین بدت میاد».

اکثر مشارکت‌کنندگان، قوانین را به‌مثابه توصیه‌های حمایت‌گرانه برداشت نمی‌کنند و از آن به‌عنوان ابزاری برای کنترل شدن و آزار دیدن یاد می‌کنند. به‌طور مشخص اولین قانونی که ساکنان خوابگاه را اذیت می‌کند قوانین تردد است. به‌زعم مشارکت‌کنندگان، تفاوت قوانین تردد میان خوابگاه دختران و پسران، نشان از تبعیض جنسیتی است. ایشان این قوانین را سخت‌گیرانه می‌دانستند و در برخی موارد، قوانین تردد نسبت به قوانین خانه سخت‌تر به نظرشان می‌آمد. زیبا با ناراحتی ابراز می‌کند «درشان جامعه نیست که دانشجوی ۲۵ ساله جواب پس بده. به خاطر همه‌ی قوانین... اسمش را میذارم نامکانی که می‌خواستند اسمش را مکان بگذارند» فاطمه گفت: «خیلی سال قبل از زندگی خوابگاهی، من خونه مجردی داشتم و تنها زندگی می‌کردم و خانواده‌ام هم هیچ محدودیتی برام نداشته بودن؛ اما بعداً در خوابگاه وقتی توی ترافیک گیر می‌کردم و دیر می‌رسیدم خوابگاه قلبم از استرس تو دهنم بود. بعد به خودم می‌گفتم از چی می‌ترسی؟ خانواده که با تو کاری ندارن اما من از اون همه تحقیر و عتاب وحشت داشتم.»

دانشجویان معتقد بودند که قوانین درج شده سختی و مشکلات زندگی خوابگاهی را در نظر نمی‌گیرد و درصد تثبیت وضعیت انضباطی خود است. نسترن می‌گوید «یک بار مادرم به تهران آمده بود و با هم بیرون رفتیم. من به مسئول خوابگاه تلفن زدم و اطلاع دادم با مادرم بیرون هستم اما مسئول خوابگاه نپذیرفت و گفت اگر به موقع نرسم گزارش می‌نویسد.» با اینکه شرایط خوابگاه به دلیل کمبود رفاه و فضا و امکانات علمی مناسب نیست و مشکلات درون‌اتاقی و اختلاط فرهنگی وجود دارد اما دانشجویان این مشکلات را در مقایسه با مشکلات کلان و ساختاری خوابگاه مشکلات قابل‌حل و درجه ۲ ترسیم

می‌کنند چراکه می‌پندارد کرامت انسانی و عزت‌نفسشان زیر سؤال رفته است لذا دال اعظم بیشتر مشکلات از نظر دانشجویان ساکن خوابگاه قوانین بود.

تنگی فضا، محیط داخلی و معماری بی‌روح: اسکان دادن چند صد نفر برای زندگی دائمی کار پیچیده و مشکلی است. انسان‌ها با شرایط فرهنگی و جغرافیایی و سلیقه متفاوت آمده‌اند و حالا مجبورند در قاعده بروکراسی، قانون و تجربه‌های جدید در پایتخت قرار بگیرند. خوابگاه‌هایی که مشارکت‌کنندگان، برای ما ترسیم می‌کنند ساختمان‌های بزرگ چندطبقه‌ای هستند که اتاق‌ها یا در یک لاین متوالی‌اند یا هر دو سویت فضای اشتراکی دارند. مساحت اتاق‌ها معمولاً کوچک نیست اما به دلیل اینکه نفرات بیشتر از حد استاندارد در اتاق‌ها جاسازی شده‌اند فضای اتاق کاملاً ناکافی به نظر می‌رسد. امکانات مشاع در همه‌ی خوابگاه‌ها کم است و گاهی دسترسی به آن‌ها سخت می‌شود. مثلاً حمام‌ها یا اتاق‌های مطالعه، کامپیوتر و تلویزیون گاهی در طبقه منفی ۲ قرار دارد. یا اینکه در خوابگاهی ۵ طبقه آسانسور وجود ندارد. پروین و نسترن و نسیم به ترتیب در این باره می‌گویند «بورت همیشه اینقدر کوچیکه که در دو فرش ۶ متری ۱۴ نفر زندگی می‌کنن»، «مساحت اتاق‌ها خیلی کوچیک بود. کمد برای وسایل مون نداریم. حمام طبقات پایین بود و آسانسور بیشتر وقت‌ها خراب بود. اتاق مطالعه طبقه -۲ بود و این خیلی بده»، «ساختمان خوابگاه ما یک ساختمان قدیمی ۵۰ سال ساخت بود. قیافه‌ی ساختمان وحشت‌زا بود. دلگیر و خفه بود و من در طبقه‌ی ۵ بدون آسانسور بودم. نه حیاط داشتیم نه بالکن. حتی جلوی پنجره‌ها هم آهن جوش داده بودن».

از بعد روانشناسی نکته‌ای که در ساختمان می‌بایست مورد مطالعه قرار گیرد مأنوس بودن مصالح ساختمان و تاثیر آن در روحیه دانشجویان است. یک دانشجوی هنگام ورود بایستی ساختمان اقامتگاه را چون خانه خود به حساب آورد؛ بنابراین باید سعی شود با طراحی متمرکز و درعین حال ساده آرامش روانی ساکنین را فراهم آورد.

محیط و دکوراسیون داخلی خوابگاه قاعده مشخص و بر اساس حسن سلیقه نیست. جلوی در ورودی پرده‌ای برزنتی است که از بیرون امکان دیدن فضای ورودی خوابگاه را سلب می‌کند. اتاق‌های ورودی خوابگاه معمولاً به ساختمان اضافه شده و انضباطی بودن محیط را گوش زد می‌کند. آشپزخانه‌ها با وسایل ابتدایی است و سطل اشغال‌های بزرگ در فضای آشپزخانه است که رعایت بهداشت هم در مورد آن‌ها حداقلی است. در اتاق هم به

دلیل فضای خیلی کم برای وسایل شخصی ظاهر اتاق همیشه ظاهری نامنظم دارد؛ و مجموعاً در ظاهر و نمای بیرونی نیاز به بازنگری جدی دارد. معماری فیزیک خوابگاه برای زندگی استاندارد زندگی چند صد نفره طراحی نشده است. مسائل رفاهی و امکانات اولیه مانند کمد، میز صندلی و میز تحریر در پلان اتاق‌ها به چشم نمی‌خورد. بیشتر ساختمان‌های خوابگاه‌ها از اول و به نیت خوابگاه ساخته نشده و تغییر کاربری داشته مثلاً در یکی از نمونه‌های پژوهش حاضر خوابگاه سابقاً بیمارستان بوده و راهروهای طولانی احساس نشاط را سلب می‌کند. به دلیل کمبود فضاهای عمومی در یک زندگی خوابگاهی دانشجویان لزوم طراحی درست و استاندارد را خاطر نشان می‌کنند و به خوابگاه عناوینی مانند «زندان»، «نامکان» و «پادگان» می‌دهند. البته جمعیت زیاد و قوانین سخت هم در دادن این عناوین دخیل است.

مسئولین خوابگاه در نقش زندان‌بان: پرسنل‌های متعددی اعم از مسئول شب، مسئول روز، نگهبان، خدمه و گاهی کارمندان تأسیسات در خوابگاه‌های دخترانه مشغول به کار هستند. وظیفه‌ی آن‌ها حفاظت همه‌جانبه از دانشجویان است؛ و حضور برخی آن‌ها به صورت ۲۴ ساعته است. جایگاه مسئولین خوابگاه قدرتمند و رسمی است و رفتار دانشجویان و امور مربوط به خوابگاه‌ها در حوزه وظایف آن‌هاست. البته در هر دانشگاهی امور خوابگاه‌ها زیرمجموعه معاونت دانشجویی است؛ که دانشجویان می‌توانند از طریق امور خوابگاه‌ها مسائل خود را بدون واسطه نیز در میان بگذارند. در دفتر نگهبانی دفتر ثبت ورود و خروج است و رفت‌وآمد دانشجویان ثبت می‌شود. مسئول روز در تمام طولش روز در خوابگاه حضور دارد تا ناظر مشکلات کلی، فیزیکی و امور بین ساکنان باشد. دانشجویان عنوان می‌کنند که مسئولین خوابگاه درباره رفتارها و اعمال خارج از خوابگاه هم آن‌ها را مورد استنطاق قرار می‌دهند. نسیب می‌گوید «مسولین خوابگاه بسیار بی سواد بودن و بشدت غیر انسانی رفتار می‌کردن، ما را تفتیش عقاید می‌کردن، بازجویی می‌کردن» نظرات مشابه دیگری هم به شنیدیم نگار اظهار می‌کند که «رفتار سرپرست خوابگاه‌ها توهین‌آمیز و بازجویانه است. با کی بودی؟ کجا بودی؟ اصلاً بهشون ربطی نداره. اگر بیرون سیگار بکشی باید توضیح بدی».

از تحلیل یافته‌ها متوجه می‌شویم، مشارکت کنندگان، رابطه بین مسئولان و دانشجویان را یک رابطه‌ی سلسله مراتبی و از بالا به پایین می‌دانند و معتقدند که برای دانشجویانی که عاقل و بالغ و تحصیل کرده هستند، این مدیریت، قابل درک و پذیرش

نیست خوابگاهی‌ها از اینکه یک کنترل‌گری سیستمی در فضا وجود دارد ابراز نارضایتی می‌کنند و معتقدند حضور این شخصیت‌ها در این سمت‌ها حساب شده و برای در دست داشتن امور زندگی شخصی دانشجویی آنهاست.

دانشجویان معتقدند این حفاظت و نگهداری فقط یک‌جانبه است و امور خوابگاه‌ها مراقب روح و جسم کسانی که مسئولیت آن‌ها را دارد نیست و تنها در امور کنترل‌گری دخالت دارند. تجربه‌ی تلخی از سپیده شنیدیم. «ما در خوابگاه پزشک نداریم. ی بار دستم برید و خیلی خون می‌آمد اما خوابگاه اجازه خروج بهمون نداد. من تا صبح درد داشتم. کیفیت غذاها فاجعه است. گاهی مسموم مون کرده... چرا در مقابل سلامت ما احساس مسئولیت نمی‌کنن. دانشجویان خوابگاهی ضرورت وجود قانون را الزامی می‌دانند اما با اجرای و روش‌های آن دچار مشکل می‌شوند. آن‌ها عزت‌نفس و غرور خود را پایمال شده می‌پندارند و با عدم رعایت هنجارها و قوانین سعی در به هم زدن و مقابله با جو مقتدر موجودند: «فاطمه معتقد است مسئولین شب، دنبال مچ گرفتن بودن تا مراقبت ... ی جورایی دربون در جهنم بودن دیگه». نسترن اظهار می‌کند: «بدون قانون هم که همیشه جنگل که نیست. نمیگیم قانون نباشه میگیم رفتار اینها چرا اینقدر باید زشت و تحقیر آمیز باشه. کی به اینا اجازه داده با ما اینطوری رفتار کنن؟». به اعتقاد او، «نظارت روی کیفیت خوابگاه نبود. قانون هاشون باید عدالت داشته باشه. مشکلات را پشت گوش می‌ندازن. اگر مجیز مسئولین خوابگاه را می‌گفتی رفتار خوبی داشتند ولی با بچه‌های معترض رفتار بدی داشتند. بعضی مسئولین هم خدایی رفتارشون خوب بود.»

بهداشت حلقه‌ی گمشده

به گفته مشارکت‌کنندگان وضعیت خوابگاه‌ها به لحاظ بهداشت زیر خط استاندارد است. آن‌ها مقصر اصلی این وضعیت را خودشان و مسئولیت‌ناپذیری خودشان می‌دانند. در فضاهای مشاع مثل حیاط، راهروها، آشپزخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی و حمام‌ها بهداشت فردی رعایت نمی‌شود و مجموع رعایت نکردن بهداشت فردی افراد، محیط بدی را به نمایش می‌گذارد. خوابگاه‌ها خدمه دارند و هر روز سطل‌های زباله بزرگ توسط پرسنل خدماتی خالی می‌شوند و شست و شوی عمومی انجام می‌شود. در فضای اتاق هم به دلیل تنوع سلیق و فرهنگ‌ها و انجام ندادن مسئولیت‌های گروهی معمولاً فضای تمیز و مطلوبی به چشم نمی‌خورد. سپیده به ما می‌گوید: «بعضی‌ها خیلی کثیفن... من وسواسی نیستم اما

همیشه دارم تمیز می‌کنم. ی نفر جمع می‌کنه ۷ نفر می‌ریزن می‌پاشن.» دانشجویان از خلأ قوانین بهداشتی و نبود استانداردهای عمومی شکایت دارند. لزوم آموزش بهداشت فردی، عمومی و محیطی محرز است و زندگی نه چندان آسان در خوابگاه را تسهیل می‌کند. پروین با توصیف وضع اتاق‌ها در تجربه‌های مختلف در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌گوید «خدایی حالا خوابگاه بد و سخت و بی امکانات. دیگه مسئول ملحفه و ظرف و موهای وحشتناک زیاد روی فرش که دیگه مسئولین خوابگاه نیستن.» وضعیت سرویس‌های بهداشتی مانند دست‌شویی‌ها و حمام تاریک‌ترین قسمت زندگی گروهی است. رعایت نکردن بهداشت فردی در افراد مختلف موجب مخل شدن بهداشت عمومی و محیطی است. در مورد سرویس‌های بهداشتی فاطمه برایمان وضعیت حمام در خوابگاهشان را توصیف می‌کند: «حمام رفتن به جای آرامش برام عذاب بود. قبل از حمام باید موها و کف‌های نفر قبلی را می‌شستم. بعضی‌ها حتی حاضر نیستن قوطی خالی شامپوشون را بیرن بندازن سطل اشغال و وقتی هم که اعتراض می‌کنی میگن مال نفر قبلی بوده.»

موضوع بهداشت به دلیل اینکه رابطه مستقیم با سلامت جسمی و روحی فرد دارد بسیار مهم است و توجه به این نکات باعث ارتقا و استمرار فرهنگ بهداشت عمومی می‌شود و برای اعضای جامعه مسئولیت اجتماعی ایجاد می‌کند. آموزش اصول بهداشت عمومی و اجتماعی و محیطی کیفیت زندگی را بالا می‌برد و امروزه جز شاخص‌های اصلی توسعه پایدار است و دانستن و عمل کردن دانشجویان باعث پیشرفت جامعه می‌شود. از اجرای آن در یک مدل کوچک‌تر و پابلوت مثل خوابگاه می‌توان به اهداف بزرگ‌تری رسید.

بدبختی آموخته‌شده: «بدبختی آموخته‌شده» یک نظریه روان‌پزشکی اجتماعی است که توسط سلیگمن مطرح شده که در آن فرد کنترلی بر امور ندارد و توان تغییر شرایط هم در نیست. در این احساس عدم توانایی، افراد با محیط سازگاری پیدا می‌کنند. سلیگمن این فقدان کنترل بر امور را با مفهوم سبک تبیینی (Explanatory Style) توجیه می‌کند. سبک تبیینی خوش‌بینانه از درماندگی جلوگیری می‌کند؛ سبک تبیینی بدبینانه درماندگی را به تمام جنبه‌های آن نوع زندگی گسترش می‌دهد. در تحلیل داده‌ها در میدان خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه‌های سراسری شهر تهران هر دو نوع سبک تبیینی خوش‌بینانه و سبک تبیینی بدبینانه وجود دارد. درواقع دانشجویان خود را در برابر قوانین صلب و

قوانینی که از نظر آن‌ها، منصفانه نیست، مقاومت روشنی نمی‌کنند و گاه به کارشکنی‌هایی دست می‌زدند که مسئولیتی متوجه شخص خاصی نگردد. فاطمه می‌گوید: «ما به روش خودمون قانون را دور می‌زدیم چون آگه می‌فهمیدن از خوابگاه بیرون مون می‌کردن. ولی همیشه که همیشه حرف، حرف اونا باشه. به من خوش می‌گذشت چون همیشه بلد بودم از پس خودم بر پیام» اما گفته نسیب برخلاف مصاحبه شونده قبلی است. او اظهار می‌کند که: «آگه می‌خوای توی خوابگاه زندگی کنی باید قوانینش هم بپذیری. تو خوابگاه باید از خودت یک آدم سازگار بسازی و گر نه اونجا برات جهنم میشه».

مفهوم سازگاری هم در شکل مثبت و هم در شکل درماندگی بارها در طی این پژوهش به چالش کشیده می‌شود و کارکردهای متفاوتی دارد. بی‌شک یکی از فاکتورهای با اهمیت زندگی گروهی انعطاف‌پذیری و سازگاری است که می‌بایست در بین هر دو گروه مسئولین و دانشجویان خوابگاهی باشد تا به صورت تعامل ارزیابی شود نه به شکل اجبار یا سازگاری و عامل نبودن. نظرات همراهان در پژوهش مبین این موضوع است که این شدت از سازگاری برای روح روان آن‌ها مخرب بوده تا اینکه مهارت به حساب آید. برای مثال: اسم دوره را می‌ذارم «اسارت». چون حس خوبی به دوران خوابگاهی بودنم ندارم. به‌سختی با آدم‌ها کنار می‌امدم. یا «از خودگذشتگی‌هایی که کردم گاه‌ها بهم لطمه زده» یا «هیچ اسمی به ذهنم نمی‌رسه جز چند تا صفت بی‌عدالتی، بی‌انصافی. خوابگاه همش تجربه بود اما تلخی‌هاش بیشتر بود». «الان که بیشتر فکر می‌کنم می‌بینم از شهرستانی بودن ما و پول نداشتن ما سو استفاده می‌کردن. چون می‌دونستن ما مجبوریم با همه چی کنار بیایم».

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده از مقولات تا حدودی مشخص می‌شود چرا فضای خوابگاه برای دانشجویان مطلوب و خوشایند نیست. نیازهای عمومی و اولیه دانشجویان در حد استاندارد لحاظ نشده و انباشت فقدان‌ها زمینه زیست آسانی را فراهم نکرده است. ساکنان معمولاً با مجموعه‌ای از مشکلات درگیر هستند و تقاطع مشکلات محیط را نامساعد می‌کند. اندازه مشکلات در خوابگاه مقیاس متفاوتی دارد مثلاً از نظر ساکنین خوابگاه‌های دخترانه سخت‌ترین قسمت زندگی خوابگاهی قوانین عبور و مرور است. آن‌ها در این سن خود را مستقل و بالغ می‌پندارند و قوانین را مخالف آزادی فردی خود، تلقی می‌کنند و چون بعضی از آن‌ها در خانه و شهرستان خود استقلال بیشتری دارند فضای خوابگاه را تنگ و

خسته‌کننده می‌دانند و تلاش می‌کنند به هر نحوی قوانین را زیر پا بگذارند آن‌ها لفظ «زندانی» یا «اسارت» را جایگزینی برای نام خوابگاه می‌دانند. رفتار خشک نظارتی برای جوانان این سن که سودای سرکشی و استقلال دارند، موجب شده است که دانشجویان چون نمی‌خواهند منفعل باشند با سناریوهایی سعی در برهم زدن نظم موجود دارند. کنش مقاومت ممکن است از نظر مسئولین رفتار مخربی محسوب شود و منجر به نوعی جنگ سرد ساکت شود. کنش مقاومتی در ظاهر قضیه ممکن است فقط یک قانون‌شکنی ساده باشد که مشکل مهمی ایجاد نمی‌کند اما در بطن مسأله، احساس عدم تعلق به مکان و فضا و حتی انسان‌ها، بیگانگی، بی‌تفاوتی و عدم مسئولیت‌پذیری اجتماعی به همراه دارد. مفاهیمی که هر کدام شاید در پژوهش‌های مستقل جای بررسی دارد. حس تعلق، حسی آگاهانه درباره محیط شخصی و حتی عمومی است که در آن فرد ارتباط درونی با محیط دارد و با اجزا آن پیوند خورده و یکپارچه است و برای مراقبت و حفظ آن محیط می‌کوشد. به‌واقع خوابگاه‌های دانشگاه موفق نشده‌اند احساس دل‌بستگی را در ساکنان خود به وجود آورند. خلأهای رفاهی گاهی مانع از دیدن و لمس داشته‌های موجود است.

هم‌زیستی اجباری به‌تنهایی موجب احساس دل‌بستگی نمی‌شود. بااینکه گروه هم‌سالان برای جوانان به‌طور معمول معاشرت جذابی است و شاید اولین انتخاب هر جوانی باشد اما خوب نبودن شرایط مکانی چه به لحاظ عینی (فضا، محیط معماری، تجهیزات) چه به لحاظ انتزاعی (قوانین، موقعیت روحی روانی) منجر به نتیجه معکوس شده است و تصویری کدری از خاطره جمعی در ذهن دانشجویان متبادر می‌کند. با ورود به محیط اکادمیک حتی در مقاطع بالاتر (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) دانشجویان با هویت جدید مواجه می‌شوند، هویتی که کاملاً رسمی، معتبر و به لحاظ موقعیت اجتماعی فرهنگی بالاست. هر چه مقاطع تحصیلی و حتی نوع دانشگاه بالاتر و معتبرتر می‌شود، دانشجویان از محیط انتظار بیشتری دارند و با محیط و شرایط قبلی کمتر خو گرفته‌اند. آن‌ها انتظار دارند رفتار، مکان، منش و میدان درشان، رتبه و سن و سالشان لحاظ شود. به تعبیر بوردیو از میدان این نگاه سلطه‌گر را برنمی‌تابند. آن‌ها ترجیح می‌دهند در میدان مداخله کنند و با منش دانشجویی مسائل را مدیریت نمایند. درواقع آن‌ها همه قواعد بازی را نمی‌پذیرند. دیالکتیک بین میدان و منش آن‌ها را وادار به انجام کنش‌هایی می‌کند که ممکن است در جهت قوانین خوابگاه نباشد. منش دانشجویی در میدان خوابگاه به یک کنش اجتماعی

تبدیل می‌شود و تلاش دارد از راه‌های متفاوت مثل رجوع به قدرت بالاتر، چانه‌زنی و ندیدن قوانین شرایط زندگی را بهبود ببخشد. رفتار مسئولین، قوانین رفت‌وآمد، تبعیض رفاهی بین دختران و پسران مصداق خشونت‌های نمادینی است که برای نقش «دانشجو» بودن قابل قبول نیست.

همچنین با رویکرد فوکویی انضباط و تنبیه موجب خلع سلاح شدن دانشجو است و آن‌ها در بعدهای مختلف تحت کنترل قوانین و الزامات دانشگاه هستند. دانشجویان خوابگاهی دختر از رفتار مسئولین خوابگاهی‌شان رضایت ندارند چون در آن‌ها احساس مراقبت، عطف و انسانی و مسئولیت‌پذیری نمی‌بینند. آن‌ها مسئولین خوابگاه را صرفاً متصدی قوانینی می‌بینند که بنا به نظریه تکنیک‌های انضباطی فوکو، اصل حصارکشی، اصل جاده‌ی، اصل قاعده مبنی مکان‌های کارکردی و اصل ردیف‌مندی را اجرا می‌کنند؛ و بر این اساس دانشجویان را شبکه‌بندی می‌کنند.

چالش‌های زندگی خوابگاهی هنوز هم دغدغه مهمی است چراکه قشر فرهیخته‌ای پس از گذراندن مسیر و رقابتی سخت به موقعیت آموزش عالی رسیده‌اند و با توجه به اینکه همه مشارکت‌کنندگان، از دانشگاه سراسری هستند و تحصیلات رایگان دارند وزارت علوم هزینه‌هایی را بابت آموزش عالی آن‌ها پراخت می‌کند. با توجه به مقطع طلایی زندگی جوانان و صرف هزینه‌های دولتی و نیاز جامعه به متخصصین با رفع مشکلات آموزشی و حواشی آن دستاورد ملی خواهیم داشت. لذا اهمیت اوقات و صرف کردن زمان دانشجویان مهم است. با تحلیل‌های چندجانبه و مکرر به نظر می‌رسد خوابگاه‌ها دچار نقص‌های اولیه هستند و برای بهره‌وری بیشتر از وقت و هزینه می‌بایست سیستم فیزیکی و رفاهی بهتری داشته باشند همچنین می‌توان ارزش افزوده این نوع زندگی جمعی را با تعامل بهبود ببخشید و از این فرصت برای بهبود مهارت‌های زندگی و تربیت انسانی بین نسل جوان استفاده کرد.

خوابگاه می‌تواند مکانی برای آسایش، تعلق خاطر، شکل‌گیری عاطفه جمعی، مهارت‌بخشی در فضای گروهی، ایجاد احساس تعلق مکانی و بالا بردن مهارت‌های فردی، گروهی و اجتماعی باشد.

تشکر و سپاسگزاری

از کلیه مصاحبه شونده‌گان که با صبوری و دقت به پرسش‌های ما پاسخ دادند کمال تشکر را داریم. همه‌ی دانشجویان و مسئولین محترمی که به زندگی سخت خوابگاهی لحظاتی شیرین هدیه می‌دهند شایسته سپاسگزاری و تشکر هستند.



References

- Arefi, M. & Mohsen Zade, (2011). *Investigation of Links between Religious Affiliations, Mental*.
- Beck, A. T. (1987). *Cognitive Models of Depression*. Journal of Cognitive Psychotherapy, 1, 5-37.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). *Using Thematic Analysis in Psychology*. Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Clark, Victoria and Brauan, Virginia. (2013). *Successful Qualitative Research: A Practical Guide For Beginners*, U. K.
- Consultant Engineers of Niaresh Line, (1996). *The Study of Female Dormitory, Study of Science Minister*.
- Esfandiari Ghr (2001). *Stress Factors and their Relation with General Health in Students of Kurdistan University of Medical Sciences in Year 1999*. Sci J Kurdistan Uni Med Sci, 2001; 5: 17-21.
- Estrada, Ch. A. G., Gomez, R. V., Maniti, H. S., Polliente, KB. & Reynoso. L. B (2008). *The Academic Constaints of Student Living in Dormitories*. The faculty of language and literature department institute of account and finance Far Eastern University Sampaloc, Manila.
- Fakoohi, N. (2005). *Pierre Bourdieu: Asking about Science and Intellectuality*. social science periodical of Ferdowsi University in Mashhad.
- Foucault, M (2008). *Discipline and Punish*. The Birth of the Prison; translated into Persian by Nikoo Sarkhosh & Afshin Jahan dide. Tehran, Ney publication.
- Giddens, A (2004). *Central Problems in Social Theory*; translated into Persian by Mohammad Rezaee. Tehran. Saad publication.
- Hariri N. (2006). *Principles and Qualitative Research Methods*. Tehran, Iran: Science and Research Branch, Islamic Azad University; [In Persian].
- Jamshidiha, Gh & Parastesh, Sh. (2007). *Dialectic Field in Bourdieu's Formulation of Fields*. Journal of the letter of social Science, Number 30: page 1-32.
- Jenginez, R. (2006). *Pierre Bourdieu*; translated into Persian by Leila Joafshani & hassan chavoshiyan. Tehran, Ney publication.
- Lesley, J. (1979). *The Cultural Critics: from Matthew Arnold to Raymond Williams*; translated into Persian by Zia Movahed. Tehran: Tarhe no publication.

- Low, S. M., & Altman, I. (1992). *Place Attachment—a Conceptual Inquiry*. in I. Altman & S. M. Low (Eds.), *Place attachment. Human behavior and environment* 12 (pp. 1-12). New York: Plenum.
- Mahmoodirad, M & Araste Hamid Reza. (2004). *Campus Residences as Learning Communities*. journal of Teb and Tazkiye, Number 53, page 45-53.
- Mohammadpoor, A. (2003). *The Qualitative Methodology*. anti methodology 2, Tehran, jame shanasan publication.
- Parastesh, Sh. (2011). *The Narration of Pure Extinction, Analyzing (The Method of Pierre Bourdieu) of BOOF – E – KOOR in Iranian Literary Field*. Tehran: Sales Publication, [in Persian].
- Peters BM (2007). *The Relationship among Psychological and Perceived Stress, Quality of Life, Self-Care and Impairment in Doctoral Student*. Retrieved September 1s, 2007.
- Ritzer, G. (2004). *Sociology Theory in Contemporary Age*; translated into Persian by Mohsen Salasi. Tehran, Elmi publication.
- Ritzer, G. (2010). *Teoria Sociologica Contemporanea*; translated into Persian by Shahnaz Mosama Parast. Tehran, Ney publication.
- Sepahvand, S. (2015) *Investigation of Links between Place Attachment and Sense of Belonging among Female College Students to Reduce Behavioral Disorders*. Tehran, Payam-e- Noor University.
- Sidman, S. (2011). *Debate on Theories in Sociology*; translated into Persian by Hadi Jalili. Tehran, Ney publication.
- Strauss, A, Corbin, J (1998). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory. Procedures and Techniques*. Sage, Thousand Oaks
- Yaghoobi. H (1389). *Adaptation to Campus Living*. Tehran, The publication of Science minister.
- Zaki, M.A (2009). *Young Social Alliance (Case Study: Female and Male Student University in Isfahan University)*. Journal of young research: culture and society, Number 3: page 2-51.